

الرابع: البدل و هو التابع المقصودُ اصالةً بما (حكم) نسب الى متبوعه و هو بدلُ الكلِّ من الكل و البعض من الكل و الاشتمال (۱) و هو الذي اشتمل عليه المبدل منه بحيث يتشوقُّ (اشتياق و انتظار دارد) السامعُ الى ذكره نحو يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه و البدل المباين و هو ان ذكر للمبالغه سُمِّي بدل البداء كقولك حبيبي قمر شمس و يقع من الفصحاء او لتدارك الغلط فبدلُ الغلط نحو جاتني زيد الفرس و لا يقع من فصيح.

هدايه: لا يُبدل (بدل آورده نمیشود) الظاهر عن المضمَر في بدل الكل الا من الغائب نحو ضربته زيدا و قال بعضُ المحققين لا يُبدل المضمَر من مثله و لا من الظاهر و ما مُثِّل به لذلك (يعني ابدال الضمير) مَصوغٌ على العرب (ساخته شده بر اعراب است يعني آنها اين را نميگويند) و نحو (اين مثال براي مصوغ نيست!!!) قمت انا و لقيت زيدا اياه تأكيداً لفظي.

(۱) توجه كنيد كه هر گاه آنچه بدل ميشود از ملابسات باشد، بدل اشتمال نيست. بلكه ملاك تشوق است كه به اين معناست كه وقتی شما مطلبي را ميگوويد مخاطب انتظار شنيدن بدل را داشته باشد كه البته اين هنگامی رخ ميدهد كه بدل از ملابسات مبدل منه باشد اما اين دليل بدل اشتمال نيست مثلاً هنگامی كه بگوئيم سَلَبَ زَيْدٌ (زيد دزدیده شد!) در حالتی كه زيد انسان قدرتمندی است و امكان اينكه خودش دزدیده شود براي مخاطب بعيد است و بنا بر اين مخاطب انتظار اين را دارد كه ما بگوئيم ثوبه يعني اين را به عنوان بدل اشتمال بياوريم!

■ سَلَبَ زَيْدٌ ثُوبَهُ

■ يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه

پرسیدن از ماه حرام معنای خاصی ندارد زیرا میگوئیم كه از چه چیزی اش سؤال کرده اند؟ جنگ كردن؟ غذا خوردن؟ نماز خواندن؟ چه کاری منظور است بنا بر این مخاطب اشتياق شنیدن بدل را دارد كه بعد گفته ميشود قتال كه بدل از الشهر.

بدل:

۱. بدل کل از کل

۲. بدل بعض از کل

۳. بدل اشمال

۴. بدل مباین

وجه تسمیه این است که مبدل و مبدل منه هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. که دو بخش دارد.

۱. بداء: (تغییر)

هنگامی که بدل به قصد مبالغه بیاید.

■ حییبی قمر شمس

فردی در حال وصف دوست خود بوده و گفته قمر است و نه بالاتر از آن بلکه شمس است. متکلم شمس را برای مبالغه در کلام خود آورده است. و بداء در لغت به معنای تغییر است و به علت اینکه متکلم بعد از بیان مبدل منه تغییر قصد میدهد و مبدل را بیان میکند، بدل بداء گویند.

۲. غلط:

در جایی است که متکلم اشتباهاً مبدل منه را ذکر کرده باشد.

■ جاء زید جعفر

تفاوت بین بدل غلط و بداء این است که فصحا بداء را استعمال میکنند به خلاف بدل غلط که فصحا آن را مرتکب نمیشوند. اما اگر فصحا اشتباه کنند و غلطی مرتکب شوند به این صورت استعمال نمیکنند بلکه با «بل» استعمال میشود و میگویند جاء زید بل جعفر

دو نکته:

۱. در بدل کل از کل اسم ظاهر بدل از ضمیر نمی آید مگر از ضمیر غائب.

■ ضربته زیداً

۲. ضمیر نمیتواند بدل واقع شود که اینکه مبدل منه ضمیر باشد چه اینکه اسم ظاهر باشد.

■ به خلاف لقیته زیداً اياه که غلط است

■ به خلاف لقیته اياه که غلط است